

# کودک و طبیعت

پژوهش‌های روانی، اجتماعی-فرهنگی و تکاملی

(مجموعه مقاله)

ویراسته‌ی:

پیتر کان و استفن کلرت

ترجمه‌ی:

عبدالحسین وهازاده و آرش حسینیان

Kahn, Peterh

کان، پیتر  
کودک و طبیعت؛ پژوهش‌های روانی، اجتماعی-فرهنگی و تکاملی / ویراسته: پیتر کان و  
استفن کلرت، ترجمه: عبدالحسین وهابزاده و آرش حسینیان. مشهد: جهاددانشگاهی مشهد، ۱۳۹۲.  
۲۸۳ ص. - (انتشارات جهاددانشگاهی مشهد؛ ۴۵۵: علوم پایه؛ ۷۱)

ISBN: 964-324-263-2

عنوان لاتین:

Children and Nature. Psychological, Sociocultural, and Evolutionary Investigations.

کتابنامه: ص. [ ۲۶۵ ] - ۲۸۳.

۱. طبیعت - جنبه روان‌شناختی. ۲. محیط زیست و کودک. الف. کلرت، استفن،  
نویسنده همکار. ب. وهابزاده، عبدالحسین، مترجم. ج. حسینیان، آرش، مترجم.  
د. جهاد دانشگاهی مشهد ه. عنوان.

۳۰۵/۲۳

BF ۳۵۳ / ۵ / ک ۲۹ / ک ۹۴



### انتشارات جهاددانشگاهی مشهد

مشهد، میدان آزادی، پردیس دانشگاه، سازمان مرکزی جهاددانشگاهی  
ص. پ. ۱۳۷۶ - ۹۱۷۷۵ تلفن: ۳۸۸۳۲۳۶۷ دفترپخش: ۳۸۸۴۲۲۳۰  
www.jdmpress.com info@jdmpress.com

### کودک و طبیعت (درسنامه مدرسه طبیعت)

پژوهش‌های روانی، اجتماعی-فرهنگی و تکاملی

ویراسته: پیتر کان و استفن کلرت

ترجمه: عبدالحسین وهابزاده و آرش حسینیان

نقاشی پشت جلد: فرخ وهابزاده

واژه‌پرداز هاشمی نجفی / چاپ و صحافی چاپخانه دانشگاه فردوسی

چاپ چهارم تابستان ۱۳۹۷ / ۱۱۰۰ نسخه / شماره نشر ۴۵۵

ISBN: 964-324-263-2

شابک ۹۶۴-۳۲۴-۲۶۳-۲

کلیه حقوق نشر برای ناشر محفوظ است.

قیمت: ۱۶۰.۰۰۰ ریال

### بسم الله الرحمن الرحيم

کتاب بزرگ‌ترین دستاورد فرهنگی بشر است. دانش بشری مدیون هزاران هزار کتابی است که در طول تاریخ با رنج و تلاش فراوان گرد آمده‌اند. کتاب تداوم معرفت علمی انسان است که سرانجام به تراکم دانش و بروز دگرگونی‌های تمدنی می‌انجامد.

جهاد دانشگاهی مشهد بر این باور است که نخستین گام در راه بهبود ساختارهای اقتصادی-اجتماعی و توسعه‌ی کشور، دستیابی به تازه‌های دانش و نشر یافته‌های پژوهشگران است. کتاب حاضر چهارصد و پنجاه و پنجمین اثری است که با همین رویکرد منتشر می‌شود. رهنمودهای خوانندگان فرهیخته می‌تواند ما را در ارتقای سطح کیفی و کمی این آثار یاری نماید.

**انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد**

تقدیم به:

آریای کوچک و همه‌ی کودکان این سرزمین؛  
شهروندان آینده‌ی این بوم که بذر نیاز به چنین کاری را  
در ما جوانه زدند.

# فهرست

|  |           |
|--|-----------|
| پیشگفتار.....  | ۹         |
| مقدمه.....   | ۱۳        |
| <b>۱. نخستی ها و طبیعت: زیست‌گرایی به‌عنوان یک الگوی عمومی</b>                       | <b>۲۳</b> |
| زیست‌گرایی.....  | ۲۴        |
| درک طبیعت.....   | ۲۶        |
| برخورد با طبیعت، قسمت I.....   | ۲۷        |
| طبیعت عاطفی.....   | ۲۹        |
| برخورد با طبیعت، قسمت II.....  | ۳۰        |
| دستکاری طبیعت.....   | ۳۳        |
| خویشاوندی با طبیعت.....  | ۳۵        |
| نتیجه‌گیری.....  | ۳۸        |
| <b>۲. دنیای بوم‌شناختی کودک</b>  | <b>۴۰</b> |
| یافت بوم‌شناختی.....   | ۴۱        |
| شرایط اجتماعی و فیزیولوژیکی.....   | ۴۱        |
| پیش‌بینی‌هایی در مورد واکنش‌های رفتاری کودک به محرک‌های طبیعی.....                   | ۴۴        |
| مضامین مرتبط با رویکرد تکاملی به زندگی امروزی.....                                   | ۵۷        |
| نتیجه‌گیری.....  | ۶۱        |
| <b>۳. تکوین زیست‌شناسی عامیانه: نگاهی بر فهم کودکان از طبیعت از منظر علوم شناختی</b> | <b>۶۲</b> |
| سرشت زیست‌شناسی عامیانه‌ی ابتدایی.....   | ۶۴        |
| تکوین زیست‌شناسی عامیانه چگونه صورت می‌گیرد؟.....                                    | ۷۹        |
| نتیجه‌گیری.....  | ۸۱        |
| <b>۴. وابستگی کودک به طبیعت: ساختار، رشد و مشکل فراموشی نسلی زیست‌محیطی</b>          | <b>۸۳</b> |
| ساختار و رشد.....  | ۸۳        |
| مقایسه‌ی بین‌فرهنگی.....   | ۸۹        |

|    |                                      |
|----|--------------------------------------|
| ۹۳ | فراموشی نسلی زیست‌محیطی.....         |
| ۹۷ | حل مشکل فراموشی نسلی زیست‌محیطی..... |
| ۹۹ | نتیجه‌گیری.....                      |

#### ۵. تجربه‌ی طبیعت: اثر آن بر تکوین عاطفی، شناختی و ارزشی کودکان

|     |                           |
|-----|---------------------------|
| ۱۰۱ | یک چارچوب مفهومی.....     |
| ۱۰۲ | اهمیت تجربه‌ی مستقیم..... |
| ۱۱۷ | نتیجه‌گیری.....           |
| ۱۲۴ | تشکر و قدردانی.....       |
| ۱۲۵ |                           |

#### ۶. حیوانات: پلی به سوی مراقبت از طبیعت

|     |   |
|-----|---|
| ۱۲۶ | تعاملات اجتماعی اولیه با حیوانات.....   |
| ۱۲۷ | رابطه‌ی همراه با مراقبت با حیوانات..... |
| ۱۳۳ | رشد قابلیت مراقبت از طبیعت.....         |
| ۱۴۰ | نتیجه‌گیری.....                         |
| ۱۴۵ | یادداشت‌ها.....                         |
| ۱۴۶ |   |

#### ۷. حیوانات در آموزش‌های درمانی: راهنمای وضعیت آستانه

|     |  |
|-----|--|
| ۱۴۷ | حیوانات، کودکان و درمان.....                     |
| ۱۴۷ | حیوانات، گفتگو و جامعه‌پذیری.....                |
| ۱۵۲ | حیوان به‌عنوان راهنمای ورود به وضعیت آستانه..... |
| ۱۵۵ | نتیجه‌گیری.....                                  |
| ۱۶۰ |  |

#### ۸. لکه‌های زمان: شیوه‌ی چندگانه‌بودن در طبیعت در کودکی

|     |                                       |
|-----|---------------------------------------|
| ۱۶۲ | زمان و مکان.....                      |
| ۱۶۲ | میراث رمانتیک.....                    |
| ۱۶۳ | یک میراث هرمنوتیک.....                |
| ۱۶۶ | خاستگاه همیشه‌حاضر.....               |
| ۱۶۸ | ضرورت شعور کهن.....                   |
| ۱۷۰ | وحدت جادویی.....                      |
| ۱۷۰ | تجربه‌ی ذهن و خیال.....               |
| ۱۷۱ | بنیادی برای هویت کهن.....             |
| ۱۷۳ | روابط جادویی.....                     |
| ۱۷۴ | شعور جادویی و کهن در عمل.....         |
| ۱۷۵ | مکان‌های خیال.....                    |
| ۱۷۷ | نتیجه: در جهت یک تجربه‌ی یکپارچه..... |
| ۱۷۹ |                                       |

|     |   |
|-----|---|
| ۱۸۱ | <b>۹. نوجوان و محیط طبیعی: وقت استراحت؟</b>   |
| ۱۸۲ | محیط دلخواه .....   |
| ۱۹۴ | دستور کار نوجوان .....  |
| ۱۹۷ | فرهنگ و تکامل .....   |
| ۲۰۳ | نتیجه‌گیری .....  |
| ۲۰۳ | یادداشت .....   |
| ۲۰۴ | <b>۱۰. نوجوانان و هویت بوم‌شناختی: حضور در طبیعت دست‌نخورده</b>                             |
| ۲۰۵ | جهان نوجوانان .....   |
| ۲۰۷ | هویت بوم‌شناختی به‌عنوان مدلی برای آموزش نوجوانان .....                                     |
| ۲۱۱ | رویکردهای برنامه‌ریزی‌شده به هویت بوم‌شناختی .....  |
| ۲۱۱ | نوجوانان و مدیریت زمین‌های عمومی .....  |
| ۲۱۵ | نوجوانان و حفاظت از یک پناهگاه حیات وحش .....   |
| ۲۱۹ | نوجوانان و برپایی یک نمایشگاه جانوران .....   |
| ۲۲۱ | نتیجه‌گیری .....  |
| ۲۲۳ | <b>۱۱. اقتصاد سیاسی و بوم‌شناسی دوران کودکی</b>   |
| ۲۲۴ | شواهد و مدارک .....   |
| ۲۲۹ | اقتصاد سیاسی .....  |
| ۲۳۵ | جهانی کودک‌محور .....   |
| ۲۴۳ | نتیجه‌گیری .....  |
| ۲۴۴ | <b>۱۲. بهشت در یک قطعه زمین رها: مکان‌های خاص، گونه‌های زیستی و کودکان در همسایگی طبیعت</b> |
| ۲۶۵ | <b>منابع</b>  |

## پیشگفتار

بانگ گردش‌های چرخ است آنچه خلق می‌نوازندش به تنبورو به حلق  
مؤمنان گویند که آوای بهشت نقض گرداند به هر آواز زشت  
ما همه اینای آدم بوده‌ایم در بهشت آن لحن‌ها بشنوده‌ایم  
مولانا

بس کهنسالیم ما مردمان. رؤیاهای ما همچون افسانه‌هایی‌ست که در گرگ و میش  
باغ بهشت حکایت شده باشد والتر درلا ماره

کدام‌یک از ما است که در خواب، احساس پرت‌شدن از بلندی نکرده باشد؟ یا تجربه‌ی پرواز در رؤیا را نداشته باشد؟ در برخوردش با مار یا هر حیوانی که بر زمین می‌خزد، احساس خوشایندی کند؟ در مسیر پیاده‌روی خویش آنگاه که به علف‌های انبوه و بلند می‌رسد حس گنگی از خطر هشدارش ندهد؟ یا از رسیدن به قله‌ی یک کوه بلند و باز شدن چشم‌اندازش احساس فرح‌بخشی نکند؟

در کدامین زمین بازی مخصوص کودکان هست که از تاب و سرسره و الاکلنگ، که همگی حس پرواز و تغییر ارتفاع می‌دهند، خبری نباشد؟ بسیاری‌ند نمونه‌های دیگری از این دست که از اشتراک لذت‌ها و بیزاری‌های انسان در همه جا حکایت کنند و از این جمله‌اند نیز ترس از ارتفاع و ترس از تاریکی.

آیا این اشتراک‌ها در بین همه‌ی افراد گونه‌ی ما تصادفیست؟ یا حکایت از طرح مشترکی در شکل‌گیری امیال و بیزاری‌های ما در ارتباط با جنبه‌های مختلف طبیعت دارد: چیزهایی که به کار ما می‌آمده‌اند؟

اینها مباحث رشته‌ی نوپدید در زیست‌شناسی است که زیست‌گرایی (بیوفیلیا) نامیده می‌شود و مضمون اصلی آن این است که تمایلات و بیزاری‌های ذاتی ما نمایانگر سازگاری‌هایی‌ست که گونه‌ی انسان در طی میلیون‌ها سال تکامل خویش برای سازگارشدن با زیستگاهی خاص که در آن می‌زیسته شکل داده تا بقای او تأمین شود و گرچه در طی چند هزار سال اخیر شرایط زندگی و زیستگاه او یکسره تغییر یافته و دیگر به‌ظاهر اسیر طبیعت نیست، زندگی‌اش در محیط امن خانه و شهر سپری می‌شود، حیوانات درنده، خزندگان، صخره‌های پرشیب و تاریکی شب خطری متوجه او نمی‌کنند اما هنوز هم حتی در رؤیای خویش نیز از آنها به وحشت می‌افتد. گرچه دیگر نیاز فیزیکی به پیمودن کوهها یا رفتن به محیط‌های طبیعی دشوار ندارد اما کوهنوردی و گشتن در فضاها، بکر، دیدن آبشار، تأمل و مراقبه در گوشه‌ی سبز و دنج پرت‌افتاده روح خسته‌ی شهرنشینش را پالایش می‌دهد. انگار که بازگشتن به سرچشمه‌ها و آنجاکه از آن آمده بود، نیاز



روحي اوست و هرچند که دیگر گذران زندگيش از اين طريق نيست اما روحش چنان با آنها عجيب شده که امروزه نيز به صورت يک نیاز مستقل هنوز او را به خود می خوانند.

برای ميليون ها سال انسان خود جزیی از طبیعت بوده: گونه ای همچون سایر گونه ها، دستخوش همان عوامل محیطی که مرگ و زندگی سايرين را رقم می زده است. ما نيز، همچون بقیه، می بایست نسبت به هر عامل و تغییر محیط زیستگاه خویش، متناسب با اهميتش در حفظ بقا، حساس و گوش به زنگ می بودیم و در مقابل هریک پاسخی درخور می دادیم. جنبش هر شاخه و هر برگ و تغییر اندکی در جهت باد، ادراک يک بو یا دیدن پریب سایه وار چیزی در گذر می توانست بر سرنوشت ما تأثیر گذارد: صیدی را به کف آوریم یا خود طعمه ی صیادی گردیم. لذا هوشیاری و درک همه ی کنایات ظریف محیط ضرورت بقا بود.

شاید به صورت حسی و شهودی بدانیم که نیاز روحی ما به تماس با طبیعت امروزه نيز همچنان پررنگ است و گرچه به عنوان يک انسان شهرنشین به ظاهر نیاز مادی برای وصل به طبیعت نداریم اما همچنان روح و روان ما نیازمند آن باقی مانده است. هجوم روزهای تعطیل مردم شهرهای بزرگ به پارک ها و محیط های بیرون گواهی است بر آن، به گونه ای که امروز این مناطق در حکم درمانگاه های روح مردم شهرنشین عمل می کنند.

اما پژوهش هایی که بر مبنای نظریه ی زیستگرایی صورت گرفته حکایت از آن دارد که تأثیر این پیوند در ما بسیار عمیق و گسترده تر از این است: تأثیر این پیوند همه ی گرایش های ذاتی ما را، چه مثبت و چه منفی، تحت تأثیر خود دارد: اختلال در این ارتباط طی دوران کودکی می تواند موجب ناهنجاری های روانی شود و از وصل دوباره ی با آن نيز می توان در درمان بسیاری از آنها بهره برد. مثلاً "حيوان درماني" می تواند درمداوای اوتیسم، ناهنجاری های رشد، بیش فعالی، اختلال سلوک و اختلال بی اعتنایی مقابله ای مفید باشد.

عرصه هایی همچون زیباشناسی، هنر، ادبیات، عرفان، اخلاق و بالاخره محیط زیست تحت تأثیر نحوه ی تعامل ما با طبیعت است. اینکه از چه محیطی و با چه کیفیتی بهره می بریم در گرو آن است که نگاه ما به طبیعت چگونه باشد: و این نگاه نيز خود به تجربه ی ما از طبیعت و بخصوص تجربه ی دوران حساس کودکی، بازمی گردد.

امروز می دانیم که تجربیات دوران کودکی از تماس با طبیعت علايق و ترجیح های ما را شکل می دهند. ما، در دوران حساس و سرنوشت ساز کودکی، به لحاظ ذاتی نسبت به عوامل طبیعی، اعم از زنده و بی جان، بی تفاوت نیستیم. گیاه و حشره، درخت و آبشار و تندر و باران برای ما با ساخته های دست بشر به یکسان نیستند. ما نسبت به اینها واکنش داریم و چگونگی تماس ما با آنها در دوران کودکی گرایش ما به طبیعت در بزرگسالی را شکل می دهند. پیامد این تجربه می تواند از جذب و عشق سیری ناپذیر تا ترس و نفرت متغیر باشد.

تا چندی پیش تقریباً همه ی ما در دوران کودکی خود با محیط های ساخته نشده، زمین های رها، محیط های روستایی و یا حداقل باغچه ی کوچکی در حیاط خانه در تماس بوده ایم. خاطرات پررنگ کودکی ما سرشار از چنین تجربیاتی است: بالارفتن از درخت، گرفتن پروانه و حشرات دیگر، بازی در گل ولای و ساختن چیزی با آن، پرورش و نگهداری حیوانی در خانه، قایم باشک، برف بازی، خوابیدن در مهتابی زیر آسمان پرستاره، تجربه ی سرما، عرق ریزان و بی شمار تجربه های دیگری از این دست.

همه‌ی عاشقان و علاقه‌مندان پرتلاش طبیعت نخست با چنین تجربیات و پیشینه‌ای در راه حفظ طبیعت پا گذاشته‌اند نه آنکه ابتدا در کلاس درس به اهمیت آن پی برده و بدان علاقه‌مند و متعهد شده باشند. اما امروز که کودکان ما در شهرهای بزرگ کودکی خویش را در آپارتمان‌های کوچک عقیم و بریده از هر جلوه‌ی طبیعت گرفتار آمده‌اند و چشم‌انداز آنها را پرده‌های کلفت یا دیوار همسایه محدود کرده، طبیعت فقط در تلویزیون قابل مشاهده است و جدال و خشونت‌های طبیعی جای خود را به بازی‌های کامپیوتری سپرده و حتی تجربه‌ی سرما و گرمای بیرون نیز تنها از پشت پنجره ممکن شده، برای بزرگسالی خود چه خاطرات ماندگاری از تماس با جهان زنده بیاندوزند؟ و آنان که چنین بار آمده باشند نسبت به درخواست‌های حفظ گونه‌های درخطر و اکوسیستم‌های با ارزش و مقابله با تهدیدهای زیست‌محیطی چه واکنشی خواهند داشت؟ کدام شور و پشتوانه‌ی حسی آنان را به مبارزه در حفظ طبیعتی که چنین آماج تخریب روبه‌فزونی انسان واقع شده فراخواهد خواند؟ درست است که با شور و عشق به تنهایی نمی‌توان وضعیت پیچیده‌ی بحران محیط زیست کنونی را اداره کرد اما بدون آن و صرفاً با تکیه بر آگاهی، نیز از عهده‌ی این مهم برنخواهیم آمد.

اندرکی عشق از همه آفاق به      واندکی درد از همه عشاق به  
مرد را دردی اگر بودی خوش است      درد بی‌دردی علاجش آتش است

باتوجه به اهمیت فوق‌العاده‌ی تجربه طبیعت در کودکی باید گفت که ما در شرایط امروزی زندگی شهری در تأمین این تجربه برای کودکان خویش غفلت کرده‌ایم و این غفلت برای آینده‌ی محیط زیست ما می‌تواند بس گران تمام شود.

تاکنون عمده‌ی کوشش ما در تأمین آموزش محیط زیست برای بزرگسالان صرف شده است. به عبارت دیگر، دوره‌ای را برای علاقه‌مند و متعهد کردن آنها نسبت به طبیعت برگزیده‌ایم که علایق آنها پیشاپیش کاملاً شکل گرفته بوده است. در این سن به آنها تنها می‌توان آگاهی داد اما برای برانگیختگی بس دیر شده است. باید بیشترین توجه به تماس کودکان با طبیعت مبذول می‌شد. دریغ که در این امر مهم غفلت بسیار شده است. باید توان خویش را، اگرچه دیر هنگام، اما مصروف کودکان کنیم و هرچه بیشتر امکان تجربه‌ی طبیعت در همه جا را برای آنها فراهم آوریم.

این کار نیازمند درک اهمیت فوق‌العاده‌ی این موضوع از جانب برنامه‌ریزان آموزش همگانی، ترتیبات قانونی و سازمانی برای گنجاندن آن در برنامه‌های آموزشی و تأمین منابع اطلاعاتی است. امیدوارم این کتاب به‌عنوان یک گام نخستین در شناساندن اهمیت این تجربه به مربیان ما مفید افتد و شاهد انتشار مطالب هرچه بیشتری از این دست باشیم تا زمینه‌ی بحث و تبادل نظر در این مورد فراهم شود.

عبدالحسین وهابزاده